

تحول تاریخ طبیعی زاینده‌رود و شکل‌گیری مدنیت در حاشیه آن

دکتر محمدحسین رامشت - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه اصفهان
علیرضا عباسی و مجید منتظری - دانشجویان جغرافیا، دانشگاه اصفهان

چکیده

یکی از روشهای بررسی تغییرات اقلیمی و مکانیسم ردیابی آن بویژه در دوران چهارم، بازشناسی فرم‌های ارضی است (موضوع مهم زمین‌ریخت‌شناسی^(۱)). حاکمیت و استمرار هر اقلیمی بر منطقه، سبب عملکرد یک سیستم شکل‌زایی در آن منطقه می‌شود؛ لذا آنچه بعنوان پدیده‌های ژئومورفولوژی در سطح خارجی پوسته برجای می‌ماند، بعنوان میراث اقلیمی گذشته، کلیدی در حل معمای تحولات و تغییرات آن محیط می‌تواند محسوب شود. اگر نظریه «دریاچه‌های دوران چهارم بستر بروز مدنیت در ایران» (رامشت، ۱۳۷۷) را بپذیریم، در خواهیم یافت که از نظر تاریخی این گونه مطالعات می‌تواند کمک فراوانی در شناخت بهتر استقرار شهرنشینی و سکونتگاههای بشری بنماید. این مقاله فشرده‌ای از یک کار تحقیقی ژئومورفولوژی در بخش علیای حوضه آبریز زاینده‌رود است که به روش استقرایی و با تکیه بر بازشناسی پدیده‌های ژئومورفیک حاشیه ساحل دریاچه زاینده‌رود و در قالب برهان خلف صورت گرفته و نتایج آنرا می‌توان به این شکل بیان داشت: دریاچه فعلی سد زاینده‌رود، بقایای یک دریاچه طبیعی بوده است و بر خلاف نظر «اوبرلندر» محقق آمریکایی که بخش علیای حوضه زاینده‌رود را قسمتی از حوضه آبریز کارون معرفی کرده، خود یک حوضه بسته داخلی بوده است. رودخانه زاینده‌رود بعد از پارگی دریاچه بصورت یک رودخانه دائمی درآمد و هسته‌های اولیه سکونتگاهی در بخش وسطای آن بوجود آمده است.

واژگان کلیدی: موارث اقلیمی، فرسایش قهقرایی، اسارت رودخانه‌ای، یادگانه‌های دریاچه‌ای

مقدمه

یافته‌های ژئومورفولوژی اقلیمی بویژه در آخرین مقطع زمانی دوران چهارم، نه تنها از نظر اقلیمی است، بلکه می‌تواند حقایق متعددی را در زمینه تاریخ تطور زمین و محیط، باستان‌شناسی